

## «ستیزه‌جوترین پزشک منتقد اسلام» با حمله به بازارچه کریسمس در آلمان فاجعه آفرید!

بهرام رحمانی

[bahram.rehmani@gamil.com](mailto:bahram.rehmani@gamil.com)

حادثه دل‌خراش برخورد یک خودرو به جمعیت حاضر در بازار شلوغ کریسمس شهر ماگدبورگ آلمان، جامعه این کشور و هر انسانی که این خبر را می‌شنود، در شوک و اندوه فرو برده است.

«طالب عبدالمحسن»، پزشک ۵۰ ساله اهل عربستان و شهروند کنونی آلمان که پیش‌تر خودش را «مسلمان سابق» (اکس مسلم) معرفی کرده است. او در آلمان شرقی زندگی می‌کند و می‌خواهد آلمان را بابت مماشات با اسلام‌گرایی تنبیه کند. چرا که این مرد، هم‌چنین بر این باور بود که دولت آلمان به درستی با پدیده «اسلام‌گرایی در آلمان» مبارزه نمی‌کند.

طالب عبدالمحسن، به‌صورت علنی از حزب راست افراطی نژادپرست «آلترناتیو برای آلمان» حمایت کرده بود. حزب آلترناتیو برای آلمان خواستار بستن مرزهای اتحادیه اروپا و کنترل کامل مرزهای آلمان است. این حزب در ضمن خواهان آن است تا با ایجاد کمپ‌های پناهندگی در خارج از مرزهای کشور، از ورود پناهجویان به آلمان جلوگیری شود. این حزب خواستار اخراج فوری همه کسانی است که درخواست پناهندگی سیاسی آن‌ها رد شده است.

ایلان ماسک، میلیاردر آمریکایی و بنیان‌گذار شرکت تسلا و یکی از مشاوران دونالد ترامپ، از حزب «آلترناتیو برای آلمان» (AfD) رسمی و علنی دفاع کرده است. ماسک ادعا کرده است که فقط «حزب راست‌گرای آلترناتیو برای آلمان می‌تواند آلمان را نجات دهد.» طالب عبدالمحسن در سال ۲۰۱۹ در مصاحبه‌ای خود را «ستیزه‌جوترین منتقد اسلام در طول تاریخ» معرفی کرده بود. او هم‌چنین مدعی بود که آلمان به اسلام‌گرایان افراطی اهل سوریه پناهندگی می‌دهد.

طالب عبدالمحسن از سال ۲۰۰۶ تاکنون ساکن آلمان بود. او در سال ۱۹۷۴ در شهر هفوف در شرق عربستان متولد شد. مهاجم عصر جمعه ۲۹ دسامبر در شهر مگدبورگ آلمان، با یک خودروی بی‌امو تیره رنگ، حدود ۴۰۰ متر در میان جمعیت حاضر در بازار کریسمس راندگی کرد و تعداد زیادی از مردم را زیر گرفت. به گفته نخست‌وزیر ایالت زاکسن-آنهالت، خودروی مورد استفاده او، یک خودروی اجاره‌ای با پلاک مونیخ بود.

مهاجم از مسیری که برای نیروهای امدارسان در نظر گرفته شده بود وارد بازار شد. طبق اعلام شهرداری ماگدبورگ، این مسیر فاقد موانع یا ستون‌های محافظ بود تا امکان دسترسی سریع نیروهای امدادی و آتش‌نشانی در صورت وقوع حادثه فراهم باشد. بر اساس اطلاعات تازه، این حادثه «در مجموع ۲۰۵ مجروح» از جمله «۵ کشته و ۴۱ با جراحات سخت» داشته است. یکی از کشته‌شدگان کودکی ۹ ساله بود و وضعیت تعداد زیادی از زخمی‌ها وخیم است.

هنوز انگیزه او دقیقاً مشخص نیست اما پلیس گمان می‌کند که او حمله روز جمعه ۲۰ دسامبر-۳۰ آذر را به تنهایی انجام داده است. روزنامه‌های محلی نام مظنون را طالب عبدالمحسن اعلام کرده‌اند. او یک روانپزشک ۵۰ ساله متولد عربستان سعودی است که از سال ۲۰۰۶ در آلمان اقامت داشت. او در برنبرگ در ۴۰ کیلومتری جنوب مگدبورگ زندگی می‌کرد.

در سال ۲۰۱۶، این پزشک سعودی تقاضای پناهندگی کرده بود. در پاسخ به ظن و گمان‌های اولیه درباره انگیزه احتمالی مهاجم مقامات آلمان گفته‌اند که این مرد در واقع دیدگاه‌هایی «اسلام‌ستیزانه» داشته است. مظنون منتقد صریح‌الهیجه اسلام در شبکه‌های اجتماعی بوده و حتی با تئوری‌های توطئه مثل این‌که مقامات آلمان قصد دارند اروپا را اسلامی کنند همراه بوده است.

روزنامه آلمانی اشپیگل گفته است که سال پیش یک شکایت حقوقی علیه فرد مظنون درباره اظهار نظرهایش ثبت شده بود. اما مقامات به این نتیجه رسیده بودند که از جانب او تهدید مشخصی وجود ندارد.

گزارش‌ها حاکی از آن است که مقامات آلمان هشدارهایی در رابطه با مظنون دریافت کرده بودند. مظنون از حزب راست افراطی آلترناتیو برای آلمان (AFD) حمایت می‌کرد که اکنون در نظرسنجی‌ها مقام دوم را دارد.

فریدریش مرتس رهبر اتحادیه دموکرات مسیحی (CDU) که ممکن است صدراعظم آینده آلمان شود در رابطه با مظنون حمله گفت: «اقدام وحشتناک دیروز در مگدبورگ با الگویی که تا امروز دیده‌ایم فرق می‌کند. این امر ما سیاست‌مداران را وادار می‌سازد که لحظه‌ای بایستیم و فکر کنیم.»



یادبود قربانیان حادثه ماگدبورگ در مقابل کلیسای سنت جان عکس: Matthias Bein/dpa/picture alliance

بلافاصله بعد از وقوع حمله روز جمعه احزاب و چهره‌های راست‌گرا از «ایلان ماسک» مشاور دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب آمریکا تا «نایجل فاراژ» رهبر حزب رفرم بریتانیا روی گزارش‌هایی سوار شدند که مرد مظنون را از عربستان سعودی معرفی می‌کرد. حمله اخیر دقیقاً هشت سال بعد از روزی رخ می‌دهد که یک کامیون مردم را در بازار کریسمس برلین زیر گرفت.

عبدالمحسن که حامی حزب راست افراطی آلترناتیو برای آلمان بود در سال ۲۰۱۹ در مصاحبه‌ای با روزنامه فرانکفورتر آلتگماینه فعالیت‌های ضداسلام آنلاین و کمک به سعودی‌ها برای پناهندگی را شرح داده بود. او در آن مصاحبه گفته بود «من ستیزجوترین منتقد اسلام در تاریخ هستم. اگر باور نمی‌کنید از عرب‌ها بپرسید.»

اما حالا مقامات حزب آلترناتیو برای آلمان و سایر احزاب راست افراطی اروپایی و مهاجر و پناهنده‌ستیز خیلی سریع می‌خواهند روی این موضوع تاکید کنند که مهاجم زمینه مهاجرت دارد.

هورست والتر نوپنز، دادستان ماگدبورگ انگیزه مهاجم را به سعودی بودن او ربط داده است. نوپنز روز شنبه در یک کنفرانس خبری گفت: «به نظر می‌رسد جنایت ممکن است در زمینه نارضایتی از رفتار با پناهندگان سعودی رخ داده باشد. اما تحقیقات برای فهمیدن عمق موضوع ادامه دارد.»

شولتس روز شنبه در این رابطه گفت: «نباید بگذاریم که نفرت ما را با خود ببرد اما مهاجمان را با تعقیب قضایی دنبال می‌کنیم و از همه ظرفیت قانون برای اقدام علیه آن‌ها استفاده خواهیم کرد.»

مرتس رهبر اتحادیه دموکرات مسیح گفته است که برنامه آینده او برای آلمان کاهش شدید تعداد پناهجویانی است که اجازه اقامت پیدا می‌کنند.

حمایت ایلان ماسک، متحد نزدیک دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا از حزب راست افراطی «آلترناتیو برای آلمان» انتقادهایی را مبنی بر دخالت ثروتمندترین مرد جهان در انتخابات اقتصاد اول اروپا برانگیخت.

ایلان ماسک در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) که اکنون مالک آن است از حزب راست افراطی آلمان حمایت کرد. او این حزب را تنها حزبی معرفی کرد که قادر است آلمان را «نجات» دهد.

انتخابات زودهنگام پارلمانی در آلمان قرار است ماه فوریه سال ۲۰۲۵ برگزار شود. این رای‌گیری در پی سقوط دولت ائتلافی اولاف شولتس، صدراعظم آلمان صورت خواهد گرفت.

آلیس وایدل، نامزد صدراعظمی از سوی حزب آلترناتیو برای آلمان از حمایت ایلان ماسک استقبال کرد. در مقابل حزب دموکرات مسیحی آلمان که در نظرسنجی‌ها پیشتر است از «دخالت» ایلان ماسک در انتخابات این کشور انتقاد کرد. یکی از اعضای این حزب از ایلان ماسک به عنوان «تهدیدی برای دموکراسی» یاد کرد.

سیاستمداران حزب سوسیال دموکرات نیز موضع‌گیری ایلان ماسک را «کاملاً غیرقابل قبول» توصیف کردند. کریستیان لیندر، وزیر دارایی پیشین آلمان حمایت ایلان ماسک از حزب آلترناتیو برای آلمان را محکوم کرده است. او این حزب را مخالف «آزادی، تجارت و دموکراسی» خواند. اولاف شولتس، صدراعظم آلمان نیز در موضع‌گیری محتاطانه ضمن دفاع از حق آزادی بیان برای ایلان ماسک گفت که او این حق را هم دارد که گزینه «اشتباه» را انتخاب کند.

یکی از آمارهای اخیر از سوی انستیتوی فورشرگروپه والن نشان می‌داد که رای‌دهندگان آلمانی بیش از مهاجرت، نگران بحران اقتصادی هستند.

حادثه اخیر می‌تواند نظر رای‌دهندگان را تغییر دهد. در هر حال احزاب پیشرو در انتخابات اخیر موضعی سفت و سخت‌تر بر سر مهاجرت اتخاذ کرده‌اند. احزاب محافظه‌کار مثل اتحادیه دموکرات مسیحی و آلترناتیو برای آلمان می‌خواهند رژیم جدید کنترل مرزها را معرفی کنند که اخراج پناهجویان را آسان‌تر خواهد کرد.

در پی سقوط دولت ائتلافی سه حزب به صدراعظمی اولاف شولتس، روز ۲۳ فوریه انتخابات دیگری در آلمان برگزار خواهد شد. این خشونت شهر ماگدبورگ و مردم آلمان را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. شهردار این شهر، این حادثه را فاجعه‌ای بی‌سابقه توصیف کرد. این حادثه باعث شد که بسیاری از شهرهای آلمان به نشانه همبستگی با ماگدبورگ، بازارهای کریسمس آخر هفته خود را تعطیل کنند. بازارهای کریسمس، بخشی از سنت قدیمی آلمان هستند که از قرون وسطی به جای مانده و امروزه به نمادی از جشن‌های سال نو در سراسر جهان تبدیل شده‌اند.

حزب آلترناتیو برای آلمان که به شدت خواستار سخت‌گیری در سیاست‌های مهاجرتی است، در بیانیه‌ای این حمله را محکوم کرد و آن را شوکی بزرگ در دوره صلح‌آمیز پیش از کریسمس توصیف کرد.

فیلم‌های ضبط‌شده توسط شاهدان نشان می‌دهد که مظنون پس از توقف خودرو در ایستگاه تراموا توسط پلیس بازداشت شده است. در یکی از این ویدئوها، افسر پلیس با اسلحه‌ای به مظنون نزدیک می‌شود و او را در حالی که روی زمین خوابیده است، بازداشت می‌کند. نگوین چی لینگ چی، یک مانیکوریست ۳۴ ساله از ویتنام که سالن زیبایی او در نزدیکی بازار قرار دارد، صحنه را این‌گونه توصیف کرد: «ابتدا صدای بلندی شنیدم و فکر کردم آتش‌بازی است. سپس دیدم که یک خودرو با سرعت زیاد وارد بازار شد. مردم جیغ می‌زدند و یک کودک به هوا پرتاب شد.»

مهاجم که برای مقامات قضایی برلین شناخته شده است، در پرونده‌ای به اتهام «سوءاستفاده از تماس‌های اضطراری» تحت تعقیب قرار داشت. جلسه دادگاه تجدیدنظر او در این خصوص قرار بود یک روز پیش از حادثه ماگدبورگ در برلین برگزار شود، اما وی در جلسه دادگاه حاضر نشد.

علاوه بر این، دادگاه روستوک در ۴ سپتامبر ۲۰۱۳ او را به جرم «اختلال در نظم عمومی و تهدید به ارتکاب جرایم» به پرداخت ۹۰ روز جریمه محکوم کرده بود.

گزارش‌ها حاکی از آنند که پس از حمله این فرد به بازار کریسمس در ماگدبورگ، بسیاری از شهرهای آلمان تدابیر امنیتی خود را به‌ویژه در اطراف بازارهای کریسمس افزایش دادند. در شهرهایی مانند هامبورگ، لایپزیگ و هاله، حضور پلیس با تعداد بیش‌تری از نیروها و خودروها تقویت شده است. مسیرهای ورودی به بازارهای کریسمس نیز به‌طور خاص تحت نظارت قرار گرفته‌اند.

ایالت‌های هسن، اشلسوینگ-هولشتاین، برمن و نیدرزاکسن نیز نیروهای پلیس خود را در بازارهای کریسمس تقویت کردند. به گفته دادستان کل فدرال آلمان، خطرات ناشی از راست‌گرایان افراطی، اسلام‌گرایان و جاسوسی در این کشور رو به افزایش است. او همچنین نسبت به برقراری تامین مالی تروریسم، جاسوسی سایبری و خرابکاری سایبری در آلمان هشدار داد. ینس رومل، دادستان کل فدرال آلمان نگرانی خود پیرامون وضعیت امنیتی فعلی در کشور را ابراز کرده است.

رومل در مصاحبه با اشپیگل آنلاین تصریح کرد: «خطراتی که برای نظام دموکراتیک و آزادی‌خواهانه آلمان ایجاد شده است، جوانب متفاوتی را در بر می‌گیرد. این خطرات هم از داخل می‌آیند، هم از خارج و حتی به عرصه زندگی روزمره جامعه نیز راه یافته‌اند.» دادستان کل فدرال آلمان اضافه کرد: «حملات توسط افراد مظنون به تروریسم در مانهایم و زولینگن می‌توانست هر کسی را که به‌طور تصادفی در آنجا حضور داشت، هدف قرار دهد.»

این مقام برجسته قضایی آلمان همچنین توضیح داد: «شمار پرونده‌های ما شدیداً افزایش یافته است. بنابراین، نه تنها احساس امنیت تغییر کرده است، بلکه وضعیت امنیتی نیز تغییر کرده است.»

رومل در عین حال خاطر نشان کرد که «نهادهای امنیتی تلاش‌های فراوانی برای دفع این خطرات انجام می‌دهند.» به گفته رومل، «جرایم در بخش راست‌گرایی به‌طور قابل‌توجهی بیش‌تر از بخش چپ‌گرایی افزایش یافته است، اما بیش‌ترین میزان جرایم، ناشی از تروریسم اسلامی است.»

او اشاره کرد: «تامین مالی تروریسم، جاسوسی سایبری و خرابکاری سایبری نیز در حال توسعه است. وضعیت فعلی سیاسی در جهان باعث شده که احتمال افزایش موارد جرم پیرامون حقوق کیفری بین‌المللی نیز وجود داشته باشد.»

رومل هم‌چنین هشدار داد که «نفوذ خارجی» در کشور نیز در حال افزایش است و گفت: «مقامات دولتی خارجی در تلاش هستند تا در سطوح مختلف نفوذ کنند و اطلاعات به دست آورند.»



بیورن هوکه، رهبر حزب آلترناتیو برای آلمان در تورینگن

«آلترناتیو برای آلمان» در انتخابات سپتامبر سال جاری، تورینگن با کسب بیش از ۳۲ درصد آرا به پیروزی بی‌سابقه‌ای در انتخابات منطقه‌ای این ایالت دست یافت و پس از انتخابات اروپا، مهر تاییدی بر روند قدرت‌گیری خود در این کشور زد.

این حزب که از سوی نهاد حافظ قانون اساسی آلمان در دسته احزاب دست راستی و افراطی قرار گرفته برای نخستین بار در تاریخ پس از جنگ این کشور در صدر یک انتخابات ایالتی قرار گرفت.

حزب محافظه‌کار اتحادیه دموکرات مسیحی که در آلمان به حزب اتحادیه شهرت دارد با کسب حدود ۲۴ درصد آرا جایگاه دوم را در ایالت تورینگن از آن خود کرده است.

زمانی که حزب AfD (آلترناتیو برای آلمان) در سال ۲۰۱۳ تاسیس شد، از اخراج همه کشورهای مقروض اتحادیه اروپا، مثل یونان دفاع می‌کرد. یکی از پایه‌گذاران این حزب، برند لوکه، این حزب را حزب جدیدی می‌دانست که نه گرایش به راست دارد و نه گرایش به چپ.

در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۳ آلمان، حزب آلترناتیو برای آلمان موفق نشد شرط به دست آوردن حداقل ۵ درصد آرا برای ورود به مجلس را تأمین کند. اما یک سال بعد، در سال ۲۰۱۴، همین حزب موفق شد در انتخابات پارلمان اروپا، بیش از ۷ درصد رای بیاورد. این نخستین پیروزی انتخاباتی حزب آلترناتیو برای آلمان به شمار می‌آید.

این حزب مخالفت ایده «دولت‌های متحده اروپا» بوده و مایل است که اعضای قدرتمند اتحادیه اروپا با تغییر رویکرد خود به سطح ملی پیشین بازگردند. از این‌رو حزب آلترناتیو برای آلمان مخالف یورو به عنوان واحد پولی مشترک اتحادیه اروپاست.

حزب AfD، با وجود ویژگی‌های غیرحزبی اولیه خود، به مرور زمان بدل به یک حزب راست‌گرا شده است که عملاً از سیاستی راست‌تر در قیاس با احزاب محافظه‌کار این کشور، یعنی دو حزب دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی پیروی می‌کند. این حزب هم خواستار جذب نیروهای راست‌افراطی آلمان است و هم مایل است تا آن دسته از مردمی را که از سیاست جاری و حاکم آلمان ناراضی هستند، به سوی خود جلب کند.

مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که حزب AfD از همه احزاب تثبیت شده آلمان نیرو جذب کرده و شمار اعضای آن به ۲۳ هزار نفر رسیده است. بسیاری از مفسران، رشد نفوذ و قدرت این حزب را جلوه دیگری از قدرت‌گیری پوپولیست‌ها می‌دانند، یعنی همان روندی که باعث خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا شد و یا پیروزی دونالد ترامپ را در انتخابات آمریکا رقم زد.

حزب AfD (آلترناتیو برای آلمان) نخستین و اصلی‌ترین حزب مخالف سیاست‌های مهاجرتی دولت آلمان و ورود مهاجرین به این کشور است. موفقیت‌های این حزب ظرف سال گذشته عمدتاً برخاسته از نارضایتی عمومی مردم آلمان از سیاست مهاجرپذیری آنگلا مرکل بوده است، به‌ویژه گشودن درهای کشور بر روی پناهجویان سوری و دیگر کشورهای عربی باعث نارضایتی مردم شده است. از سال ۲۰۱۵ تا کنون بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر مهاجر وارد آلمان شده‌اند.

حزب آلترناتیو برای آلمان خواستار بستن مرزهای اتحادیه اروپا و کنترل کامل مرزهای آلمان است. این حزب در ضمن خواهان آن است تا با ایجاد کمپ‌های پناهندگی در خارج از مرزهای کشور، از ورود پناهجویان به آلمان جلوگیری شود.

این حزب خواستار اخراج فوری همه کسانی است که درخواست پناهندگی سیاسی آن‌ها رد شده است. حزب آلترناتیو برای آلمان در عین حال مایل است که با پشتیبانی مالی، خارجی‌ان ساکن آلمان را به ترک این کشور و بازگشت به کشور خود ترغیب کند. این حزب معتقد است که آن دسته از خارجیانی که اجازه سکونت در آلمان را دریافت می‌کنند، می‌باید کاملاً به وظیفه هم‌گرایی در جامعه آلمان پایبند باشند. از این‌رو، فراگیری زبان آلمانی و آشنایی با فرهنگ بومی آلمان از نظر آنان، برای زندگی در این کشور الزامی است. به باور این حزب، اسلام بخشی از جامعه و فرهنگ آلمان نیست.

فعلاً هیچ یک از احزاب تثبیت شده آلمان حاضر به همکاری و ائتلاف با حزب AfD نیست. اگر نظرسنجی‌ها درست باشد و ائتلاف بزرگ کنونی ادامه یابد، حزب آلترناتیو برای آلمان بدل به بزرگترین حزب اپوزیسیون در پارلمان این کشور خواهد شد.

حزب AfD هم اکنون در بسیاری از مناطق آلمان بدل به یک حزب قدرتمند شده است. به‌عنوان نمونه، این حزب در پارلمان‌های ۱۰ ایالت از ۱۶ ایالت این کشور حضور دارد. نکته مهم این‌که، این حزب در پارلمان‌های همه ایالت‌های شرقی آلمان حضوری پر رنگ دارد.

این حزب، بسیاری از اعضای آن متهم به جانب‌داری از ایده‌های نئونازیسم و حتی بهره‌گرفتن از ادبیات و زبان نئونازی‌ها شده‌اند. مخالفان این حزب عنوان می‌کنند که حزب آلترناتیو برای آلمان با نادیده گرفتن تابوهای شکل گرفته جامعه آلمان در ضدیت با نازیسم، در تلاش است تا نیروهای افراط‌گرای راست را به‌سوی خود جذب کند. به‌عنوان نمونه، یکی از رهبران این حزب به نام بیورن هوکه، در سخنرانی

چند سال پیش خود در شهر درسدن مطالبی را به زبان آورد که هم به لحن و هم به محتوای گفتار نازی‌ها بی‌شبهت نبود.

حزب AfD طرفدار الگوی سنتی خانوادگی در آلمان است. از این‌رو، این حزب مخالف سقط جنین و دشمن هرگونه سبک زندگی «نامتعارف» است. حزب آلترناتیو برای آلمان خواستار افزایش حمایت مالی دولت از خانواده‌های سنتی است و از این منظر، سیاستی متفاوت از سیاست

مالی و مالیاتی محافظه‌کاران دارد. دو نفر از شخصیت‌های اصلی این حزب، یعنی فراوکه پتری و برند هوکه هر کدام ۴ فرزند دارند. هم‌چون دونالد ترامپ یا رهبر جنبش خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، نایجل فراز، رهبران حزب AfD نیز رویکردی خصمانه نسبت به رسانه‌های اصلی آلمان دارند. آن‌ها تلاش می‌کنند که مانع حضور خبرنگاران در مراسم و جلسات حزبی خود شوند، تمایلی به پرداخت عوارض استفاده

از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی ندارند و هرگاه خبرنگاران برای گرفتن اطلاعات با تلفن مرکزی حزب تماس بگیرند، اغلب با پیام‌گیر خودکار و با این پیام ضبط شده روبه‌رو می‌شوند: «لطفاً بعداً تماس بگیرید.»

به هر حال در مجموع برآمد حزب AfD هم‌زمان بود با کاهش نقش حزب راست‌گرای افراطی NPD (حزب ناسیونال دموکرات) در آلمان. بنا بر ارزیابی وزارت کشور آلمان، حزب AfD حزبی نیست که با قانون اساسی آلمان ناسازگار باشد و از این‌رو نظارت دائمی سازمان اطلاعات

آلمان بر این حزب الزامی تشخیص داده نشده است.



بی‌تردید نقد اسلام پس از ۱۴۰۰ سال و پس از ۴۵ سال حاکمیت جمهوری اسلامی، عملکرد دوست اسرائیل، دولت ترکیه، عربستان سعودی و... یک ضرورت تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.

در شرایط کنونی جامعه ایران، ترور فکری و هرگونه ندای آزادی در راس برنامه‌های جمهوری اسلامی قرار دارد. در داخل ایران هیچ نظر انتقادی راجع به اسلام نمی‌توان ارائه داد چرا که جمهوری اسلامی بلافاصله چنین منتقدی را به جرم «ارتداد» به دست جوخه‌های مرگ خود

می‌سپارد و ترور و یا اعدام می‌کند. اما در خارج کشور، هم طرفداران اسلامی و هم منتقدین می‌توانند در فضایی سالم و سازنده همدیگر را نقد کنند و تاثیرگذار باشند. اما در همین خارج کشور نیز ما با تفریط و افراط روبرو هستیم. یا خودسانسوری وجود دارد و یا به طرق گوناگون

سعی می‌شود جای انتقاد را نفرت‌افکنی و اسلام‌ستیزی و یا کمونیس‌ستیزی بگیرد. ما چنین نگرشی را هم در بین نیروهای چپ و هم راست دیده‌ایم.

برخی روشنفکران محافظه‌کار و یا به اصطلاح چپ، به جای نقد، آگاهانه و یا ناآگاهانه دست به نفرت‌پراکنی و اسلامی‌ستیزی می‌زنند در واقع عملاً مواضع ضدپناهنده و خارجی‌ستیز و اسلام‌ستیز سازمان‌ها و احزاب نژادپرست و پناهنده‌ستیز را تقویت می‌کنند. برخی دیگر، به دلیل

ترس از تروریسم جمهوری اسلامی و ملاحظات دیگر خودسانسوری می‌کنند.

من فکر می‌کنم مبارزه در هر جامعه جامعه‌ای گوناگون بوده و این یا آن اولویت را مدنظر دارند. اما مبارزه از آزادی‌خواهی، دادخواهی و حرمت انسانی مرز و کشور نمی‌شناسد و باید با قدرت بیان شود. امروز ما صدای لغو قانون ضدانسانین اعدام را از زندانیان زندان‌های مخوف جمهوری اسلامی می‌شنویم؛ «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» از اسفند ماه سال گذشته آغاز شده و هم‌چنان در حدود ۲۵ زندان ایران ادامه دارد. زندانیانی

که هر لحظه زیر شکنجه و اعدام قرار دارند اما با شهامت و جسارت فوق‌العاده‌ای موضع خود را بیان می‌دارند. به‌علاوه هرگز مبارزه فکری تئوریک و اجتماعی نمی‌تواند تعطیل‌بردار باشد. هر فرد روشنفکر متناسب علاقه و سلیقه خود می‌تواند در هر زمینه‌ای که تمایل داشته باشد

بنویسد و انتشار دهد. آزادی فکر یعنی همین و به علاوه برای نقد مذاهب و کتاب‌های به اصطلاح «مقدس» هیچ روشنفکری و انسان آزادی‌خواهی نیازمند اجازه از هیچ کس و هیچ مقامی ندارد. آزادی بیان و اندیشه حق طبیعی همه انسان‌هاست! این آزادی جرم نیست جرم خصومت و دشمنی با آزادی بیان است. مطالعه و نقد واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حد و مرز و سن و جنس و ملیت نمی‌شناسد و حق همگانی است. کافی خواهد بود که مسئولانه اقدام کند و نقد و نظر ارائه دهد.

روشن است که هر روشنفکر متعهد و مستقل هم می‌تواند قرآن و انجیل و تورات را نقد کند و هم کاپیتال مارکس و فلسفه هگل را. حال این روشنفکر خداپرست باشد و آتئیست فرقی ندارد به شرط این که دردها و آمال جامعه را بیان کنند نه امر خصوصی خود را. به نظر من، مذهب و لامذهبی امر خصوصی انسان‌هاست و به رخ کشیدنی نیستند.

همان‌گونه که برای مثال کاپیتال مارکس، مانیفست کمونیست و عقل در تاریخ هگل را می‌خوانیم، ماکس وبر و یورگن هابرماس و نیچه را هم می‌خوانیم، فردوسی و مولوی و یا حافظ و گوته هم را می‌خوانیم، انجیل و قرآن هم می‌خوانیم و نیاز به آقا بالاسر و بازرس و مدیر نداریم. ما به اعتبار قدرت تعقل و آموزش و آگاهی قادر هستیم پدیده‌ها را مورد تحلیل قرار داده و ابراز نظر کنیم. شناخت صرفا پدیده الهی و آسمانی نیست، شناخت محصول تلاش فکری و رابطه آن با پراتیک اجتماعی است.

ولتر نویسنده و فیلسوف آزاد اندیشی بود. او در مبارزه فلسفی خود تاکید می‌کرد زشتی‌ها را باید به نقد کشید و به‌ویژه زشتی برای او خرافات، دین و مذهب کاتولیک بود، برای او هدف این مبارزه بر علیه بی‌عدالتی، تاریک اندیشی و نادانی بود. از جمله در اثر او «واژه نامه فلسفی» که در ۱۷۶۴ منتشر شد گفته است: «امروزه فناتیسم یک دیوانگی مذهبی است، این بیماری با یک جوش چرکین آغاز می‌گردد.» انتقادات ولتر به کتاب مذهبی کاتولیک‌ها فراوان بود و در این زمینه طی ۱۷۶۰ تا ۱۷۷۸ بیش از بیست نوشته در رد دین و خرافات، معجزه و خدا، تورات و مسیحیت منتشر کرده است. از جمله گفته‌های ولتر، این جمله معروف است: «من با نظرات شما موافق نیستم، ولی برای این که شما حق آن را داشته باشید که بگویید، من حاضریم تا پای مرگ جلو بروم.» ولتر درباره مسیحیت نوشت: «تا زمانی که نادان‌ها وجوددارند ادیان نیز وجود خواهند داشت و مسیحیت مسخره‌ترین، واهی‌ترین و خونبارترین دینی است که دنیا را آلوده کرده است.» از جمله کارهای او نوشته تراژدی‌ای به نام «فناتیسم یا محمد» که در ۱۷۳۶ تدوین کرده و در باره اسلام است. از نظر او موسی یک جادوگر بود، عیسی یک یهودی فناتیک بود و محمد پیامبری دروغین و نیرنگ باز است.

میشل اونفری، فیلسوف معاصر فرانسوی در اثر معروف خود «رساله خدا ناپرستی» که در سال ۲۰۰۵ منتشر شد، می‌نویسد سه دین یهودیت و مسیحیت و اسلام نسبت به عقل و هوشیاری کینه دارند، نسبت به آزادی کینه دارند و طرفدار تعبد و تسلیم فرد هستند. درباره قرآن می‌گوید این کتاب سرشار از تناقض است و معجزه‌هایی در کار نیست و محمد خواهان نابودی مخالفان است تا ثروت‌های آنان از آن خود کند و یا به یاران خود تقسیم کند. اسلام جنبه‌های منفی ادیان دیگر را جمع کرده و خود را دین برتر و امت منتخب می‌داند و به همین خاطر به خشونت و جنگ تمایل دارد.

کارل مارکس، بنیان‌گذار سوسیالیسم علمی، در نقد دین می‌گوید:

نقد دین، انسان را از توهم درمی‌آورد و وادارش می‌سازد تا مانند انسان توهم زوده و سرعقل آمده بیندیشد و عمل کند و واقعیت زندگی‌اش را شکل بخشد و برمدار ذات خویش و یا در واقع دور خورشید انسان چرخ بزند.

به عقیده مارکس، دین گرایش سرشت بشری نیست، بلکه محصول مقتضیات خاص اجتماعی است. بدین ترتیب، مارکس نیاز به مذهب را یک نیاز واقعی نمی‌داند و کاملا امر خصوصی انسان‌ها محسوب می‌شود. بنابراین، نظریه دین‌پژوهی مارکس، نقد دین است نه خصومت و دشمنی با آن.

همین‌طور هر کسی می‌تواند نظریات مارکس را نقد کند.

ولتر می‌گوید: «من در خانه یک روحانی بزرگ شده‌ام. به همین دلیل دروغ‌گوی درجه یکی از آب در آمده‌ام.»

تقدس‌گرایی سرمنشا دیکتاتوری است، زمانی که چیزی مقدس شمرده می‌شود دیگر کسی اجازه نقد آن را ندارد. آن چیز می‌تواند یک دین باشد یا کتاب یا جسم یا انسان یا حیوان... هیچ چیزی در دنیا وجود ندارد که نشود آن را به نقد کشید. (نیچه)



برای بسیاری از انسان‌ها سخت است تصور کنند که مخلوقات خود را پاداش یا کیفر می‌دهد و برای مردمان قییم و سلسله مراتب دینی انتخاب می‌کند اما همه این‌گونه فکر نمی‌کنند و به همین دلیل برخی خداپرست هستند و برخی دیگر نیستند. خدایی که به‌طور خلاصه انعکاسی از ضعف و ناتوانی ما انسان‌هاست. به عبارت دیگر، اساسا خدا ساخته و پرداخته ذهن انسان است و در عالم واقعی وجود ندارد. به خصوص روحانیون و خاخام‌ها و کشیش‌ها برای خود دم و دستگاه و دکان‌های چند نبشی راه انداخته‌اند که هدف‌شان مفتخوری و کنترل بشر در

راستای منافع‌شان است. برای مثال، دستگاه روحانیت در ایران و سده‌های طولانی دستگاه کشیش‌ها مسیحیت در تاریخ بشر در جهان. اما حساب آن‌ها با شهروندان عادی که باورهای دینی دارند متفاوت است. آن‌ها با بمباران‌ها تبلیغات دائمی روحانیون و حتی بسیاری از حکومت‌های جهان، باور کرده‌اند که راه رهایی در دین‌باور و خداپرستی است. روسای جمهور مدرن‌ترین دولت‌های سرمایه‌داری جهان در آغاز کارشان به انجیل کتاب «مقدس» قسم می‌خورند نه به قوانین آن مملکت که توسط نمایندگان مردم در پارلمان‌ها تصویب شده‌اند. مهم‌ترین چیزی که انسان همیشه و همواره در عرصه دنیا و زندگی برای عرضه کردن دارد جز معرفت و انسانیت، آزادی و همبستگی، صلح و دوستی، چیز دیگری نیست.

بی‌تردید خصومت و دشمنی و نفرت‌پراکنی و خارجی‌ستیزی به هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست. نقد می‌تواند سازنده باشد اما نفرت‌پراکنی به درگیری و خشونت و جنگ و کشتار منجر می‌گردد.

جهان امروز ما، متأسفانه به شکل روز افزونی به جهانی مملو از نابرابری جنسیتی، ملیتی، مذهبی و دشمنی با طبیعت و سایر موجودات زنده بدل گشته است. در این میان، کم نیستند کسانی که از این امر خشنودند. تاثیر این جهان خالی از آزادی، برابری، عدالت و رفاه عمومی، بر زندگی هر روزه مردم جهان سایه تاریکی انداخته است. بیرون آمدن از این سیاهی، نیازمند مبارزه پیگیر و همبستگی همه جنبش و نیروهای طرفدار روشنایی است.

بنابراین، هیچ چیز در این دنیا، هیچ جریان و سیاست و نظر و ایدئولوژی مقدس نیست که نتوان آن را نقد کرد. یاد همه کسانی که در حمله اخیر آلمان جان خود را از دست دادند و یا انسان‌های بی‌گناه و بی‌دفاعی که در جنگ‌ها و خشونت‌های دولت‌ها جان داده‌اند و یا در راه آزادی جان باخته‌اند همگی گرامی باد!

یکشنبه دوم دی ۱۴۰۳ - بیست و دوم دسامبر ۲۰۲۴